

# بایت بر خیز و انسان باش

## جوانان

یک نوجوان در دوره ای از زندگی بسر می برد که همواره با خطر مواجه است. درهای شخصیتی وی کم کم به روی دنیا باز می شوند. او همواره در حسرت موفقیت و کامیابی است که تنها یک یک زندگی خانوادگی جدید می تواند به آن تحقق بخشد. یکی از جنبه های مهم هیجانانگیزی داخلی دوران نوجوانی همانا اشتیاق به عشق است که تاکنون در راه ارضای آن ناکام بوده است. و این نیازی که در او احساس می شود دعوتی بی رنگ است تا او خود را برای آینده آماده کند. ما باید از زمان برای روشن کردن راه این جوانان ، چه پسر چه دختر بهره بگیریم. شاید ما باید بیشتر برای کسانی که به نگرانی هایشان دل بسته اند کاری انجام دهیم ، بطوری که بجای قضاوت نسل امروزی آنها را، راهنمایی کنیم. خداوند برای پسر و دختر جوان مقدر نکرده که در تنهایی و انزوا زندگی کنند. در طرح ابدی او ، مرد و زن باید به یک اتحاد پایدار برسند. پس شما به یک زندگی مشترک خوانده شده اید، اما بدانید که هیچ تجربه ای گذرا حتی دوستی نمی تواند عمق چنین اتحادی را پر کند. ازدواج هدیه مجانی یک انسان به انسان دیگر است، یکی خود را آشکارا به دیگری می سپارد بطوری که دیگری درهای شخصیت باطنی خود را به سوی او باز کرده و هدیه معشوق خود را دریافت می کند تا به کمال برسد. عشق در عمیق ترین مراحل ، از اتحاد است.

اتحاد جسمانی بین زن و شوهر منبع ثبات برای هر کدام و فرصتی آزاد سازی خود است، و از طریق اتحاد روحی روانی زن و شوهر متقابل یکدیگر را کامل می کنند. بنابراین ، این هدیه دو جانبه آن ها همان ثمر بخش بودن است که برکت الهی را برای هر دو به ارمان می آورد. زوج نامزد با توجه به پذیرش یکدیگر در جشن عروسی آیین ازدواج را به جا می آورند.

علاوه بر این تفاوت بین دو جنس نه تنها جسمانی بلکه روحی روانی نیز می باشد که شامل جنبه های شخصیتی می شود. بنابراین آن ها به طور کامل به دنبال تکامل در دیگری هستند.

گرسنگی و تشنگی امیال سالمی هستند، مگر اینکه تنها به خاطر تفریح و خوشگذرانی باشد و یا در خوردن و آشامیدن زیاده روی شود. باید برای زندگی کردن بخوریم نه برای خوردن زندگی کنیم. خواهش های جسمانی نیازهای سالمی هستند، مگر اینکه خلاقیت خود را در راه خوشگذرانی و بر خلاف نقشه خداوند صرف کنیم.

شما می خواهید در تمام مراحل زندگی از جسمانی و احساس تا مراحل کامل برسید، و سوسه هایی را که شما تجربه می کنید در ذات خود تلاش های غریزی هستند تا شمارا همچون آهن گداخته در قالبی بریزد و در کل شخصیت شما را پخته کند. بچه ای که تازه شروع به راه رفتن کرده است ، روی هر چیزی خم می شود تا به خودش کمک کند. ما می دانیم انسان زمانی که دهانش خشک می شود سعی می کند برای رفع تشنگی اش مقداری آب بنوشد. نوجوان هم به خاطر عدم ارضای احساساتش تمام انرژی خود را صرف پرکردن خلاء موجود در وجودش می کند و طبیعی است که تلاش های اولیه اش بیشتر برای گرفتن باشد تا دادن. واقعا گذشتن از خود کامی و رسیدن به از خودگذشتگی زمانی طولانی و تلاشی بی حد و حصر را طلب می کند.

دوست داشتن بدین معنا نیست که دیگران را برای تکامل خود بخواهید، بلکه به معنای سپردن خود به دیگران برای تکامل آنهاست. زمانی که نیاز مخصوص میل بخشیدن در شما قوی تر از نیاز و میل به گرفتن است، آن وقت می توان گفت که شما برای یک عشق اصیل آماده شده اید.

ورزشکاری که از تمرین سر باز زند و قصد داشته باشد در مسابقه ای حساس شرکت کند ، خیلی زود مجبور خواهد شد که از رقابت کنار برود. نقاش و یا موسیقی دانی که نخواهد اصول لازم را برای تکمیل هنرش بپذیرد به خاطر بی استعداد بودن مورد نكوهش قرار خواهد گرفت.

نوجوانی که برای ارضای اشتیاق عشق زمان لازم برای آمادگی خود در راه رسیدن به عشق واقعی را نپذیرد واقعا خود را فریب می دهد و تلاش های بی حاصل او برای این عطش ناکام خواهد شد، زیرا عمق و یکپارچگی شخصیت آینده خود را به خطر می اندازد. برای دکتر یا مهندس شدن باید سال های زیادی وقت صرف کرد. چرا می ترسیم که بپذیریم، آمدن شدن برای عشق زمان زیادی را نباید داشته باشد؟

اگر بخواهید خانه تان را خیلی سریع بسازید، می توانید روی گچ خیس رنگ بزنید و سپس می توانید دوستانتان را مسخره کنید، دوستانی که هنوز کارهای باقیمانده زیادی دارند تا ساختن خانه ای را با پایان برسانند که می خواهند دارای نمایی زیبا ، بادوام و خوب ساخته شده باشد. با اولین طوفان ساختمان ناقص شما فرو خواهد ریخت. اگر شما می خواهید فقط برای رضایت خود هر فرصت سهل الحصولی که پیش می آید را بپذیرید

شاید خیال باطل و گذرایی از رشد سریع را تجربه کنید.

مانند کار گذاشتن سقف قبل از اینکه دیوارها کامل شوند یا لایه ای از رنگ روشن به روی گچ های خیس و بدین نحو شما بنیاد زندگی خانوادگی خود را متزلزل ساخته و باعث خواهید شد خیلی زود فرو ریزد.

امیال جسمانی که نوجوانان در خود حس می کنند بر انگیزه از عشق نیستند ، بلکه هیجانانگیزی پرسی جوان در حضور یک دختر یا هیجانانگیزی جوان در حضور پسر است. این مسایل حرکات هر وجود است که در ابتدا به شکل مبهم و سپس به طور واضح تر آنچه را که برای تکامل شخصی لازم است را کشف می کنند.

هرکس که ازدواجش از روی عشق و دلباختگی بوده ، خانواده ای را بر روی شن بنا کرده است.

اگر به عنوان یک جوان به دختری بگویید دوستت دارم یا مرتکب اشتباهی شده اید یا اینکه دروغ می گویند و این کار سوء استفاده از اعتماد شخص مقابل است.

وقتی می گویند که دوستت دارم یعنی خود را به تو هدیه می کنم و برای اینکه خودتان را هدیه کنید باید متعلق به خود باشد. آیا شما در این سن متعلق به خود هستید؟ و اینکه می توانید خود را تقدیم کنید یا نه؟ با خود رو راست باشید. البته دوستی بین دختر و پسر مشکلی ایجاد نمی کند ، اما در دسر زمانی آغاز می شود که بازی عشق شروع می شود و عشق وسیله ای برای بازی نیست.

اگر می بینید که مجذوب شخص دیگری شده اید ، زیرا در او عمق دانایی را دیده اید و یا او اندامی زیبا دارد، سعی نکنید برای به دست آوردن او نظر او را جلب کنید، به جای این کار از میل جدید در راه آماده سازی کامل خود برای هدیه کردن خود و پذیرش هدیه دیگری بهره بگیرید. دوره جوانی چه از جنبه جسمانی ، عاطفی و چه عقلانی نشانه ای از طرف خداوند است که می گوید: **زمان آماده شدن است ، زمان آماده کردن خود برای اتحاد با شخص دیگر است.**

لازمه آموزش دادن خود برای عشق ، رشته درازی از پیروزی ها و کامیابی ها نیست، بلکه احترام گذاشتن به خود و دیگران است به نحوی که قادر باشید برای جسم و شخصیت دیگری احترام قائل شویدو این به معنای فراموش کردن خود است به طوری که قادر باشید دیگران را غنی سازید، به معنای فراموش کردن خود است.

به نحوی که دیگری را با مانند یک حیوان تسخیر نکنید بلکه خود را به مانند یک انسان به او بسپارید و این به معنای باز کردن خود به سوی دیگران است.

اگر می خواهید عشق حقیقی را تجربه کنید باید هم اکنون راه های عشق را بیاموزید و این کار با محبت به انسان ها و برادرانتان میسر است.

**به عمق خود و خدای حقیقی رجوع کن و جوان باش و جوانی کن اما کاریکاتوری از یک جوان نباش پس برخی از انسان باش.**

# بیان